

نگاهی به سفره‌های نذری در مزارات کاشمر

محمد کریمی فروتنه*



در ۳۵ کیلومتری کاشمر و در روستای جابوز، مزار بی‌بی حور و بی‌بی نور واقع است که مردم کاشمر هر مشکلی که داشته باشند نذر می‌کنند: این حاجت من اگر برآورده شد در روستای جابوز سر مزار بی‌بی حور و بی‌بی نور آش بپزم و عده‌ای از زنان را که قوم و خویش و همسایگان هستند دعوت نمایم.

ضمناً آنهایی که به روستای فدافن ۳ کیلومتری کاشمر نزدیک هستند نذر می‌کنند که این آش را در مسجد غریب روستای فدافن درست و عده‌ای زن و دختر را خبر کنند برای آش خوردن.

روز سه‌شنبه و شب چهارشنبه به قدر مهمانی که دعوت کرده اند مثلاً ده من (۳۰ کیلو آرد آن هم از آرد زحمت‌کشی و دروگری و یا

خوشه‌چینی باشد و یا گندم آن از پول حلال باشد). آرد را الک کرده در اتاقی که در آن بسته شود، کاسه آب قند، کنار سفره، مقداری نمک، قرآنی و در کنار قرآن جانماز با مهر و تسبیح، سرمه‌دان، مقداری شکر، کارد آش بری (رشته‌بری)، چراغی روشن در خانه کنار سفره آرد گذاشته و در اتاق قفل گردیده تا صبح روز چهارشنبه. صبح چهارشنبه زن نذرکننده با اتفاق یکی دو زن مؤمنه که پاک باشند وضو گرفته و پس از اذان صبح قفل را گشوده و داخل خانه می‌گردند. این زنها آردها و جانماز و یا تسبیح و یا کارد آش‌بری را نگاه می‌کنند به هر چیز که دست خورده بود یعنی از طرف حضرت زهرا سلام الله نشان شده بود. این زنها بلافاصله با فرستادن صلوات دو

* همکار قدیمی برنامه فرهنگ مردم رادیو

رکعت نماز حضرت زهرا (س) را می‌خوانند و با کارد آشی که در آنجا هست پس از خمیرکردن آردها و زواله کردن خمیرها یعنی گلوله کردن آنها روی تخته‌ای و یا پشت سینی آنها را می‌برند و رشته‌ها را روی ریجه (بند) می‌اندازند تا خشک شود و برای آش آماده باشد.

این زنها با وضو هستند. به درب هفت منزل که نام زن و یا دختر آنها فاطمه باشد برای آش بی‌بی حور و بی‌بی نور و آجیل مشکل‌گشای سر سفره باید چیزی بگیرند، یعنی فاطمه را در این آش شرکت دهند که این مواد چه برای آش باشد و یا آجیل مشکل‌گشا باید به زنه‌ای شرکت‌کننده و حتماً زن و دختر شرکت‌کننده از این آش و آجیل مشکل‌گشا استفاده کنند که به این شرح است: نخود خام اگر داشتند مقداری لوبیا اگر داشتند، مقداری روغن اگر داشتند، مقداری فلفل، زردچوبه، نمک، سبزی اگر داشتند، مقداری - برای آجیل مشکل‌گشا - نخودچی، کشمش، موز، گردو، بادام، نقل، شکلات که به صاحب نذر داده و شرکت کرده. در این آش نذری بی‌بی حور و بی‌بی نور همه این اقلام به عنوان تبرک داده می‌شود که دیگ آش و مشکل‌گشای آن به نام فاطمه باشد. همه مواد لازم آش و آجیل که آماده شد برداشته به ۳۵ کیلومتری کاشمر روستای جابوز می‌برند و دیگ آش را سرباز روی آتش می‌گذارند و آرد اضافه آمده از آش را کماچ (فتیر) درست کرده و این کماچ را زیر آتش و خاکستر دیگ می‌کنند تا بپزد. در دیگ آش علاوه بر رشته بریده شده، نمک، فلفل، زردچوبه، سبزی خشک، و اگر موقع بادنجان بود مقداری بادنجان را ریز کرده داخل آش می‌ریزند. گاهی هم آش (قروت) کشک است که کشک را می‌سابند و داخل آش اضافه می‌کنند. حالا که آش آماده شد زنی روضه خوان روضه حضرت زهرا را می‌خواند و چنانچه زن یا آتو نبود یک روحانی روضه حضرت زهرا را می‌خواند. سپس سفره می‌اندازند، اول کاسه آب قند سر سفره می‌آورند و به هر زن یک قاشق به عنوان تبرک و شفا خورد کاج (فتیر) که در زیر آتش پخته شده بود می‌دهند که می‌خورند و یا می‌برند برای بچه‌های دختر. بعد سفره را پهن کرده مقداری نان و سبزی و ماست روی سفره می‌گذارند. بعد به هر زن یک کاسه آش می‌دهند. در ضمن پنج عدد شمع و یا چهارده عدد شمع هم روشن می‌کنند به نام پنج تن آل عبا و یا چهارده معصوم علیهماالسلام. توضیح اینکه این آش را فقط باید زنها بخورند و مردها حق ندارند از این آش بخورند؛ حتی بچه‌های پسر و حتی زنی که بچه در رحم دارد و معلوم نیست که بچه او پسر است یا دختر. فقط زنها و دخترها.

در پایان آن آجیل مشکل‌گشا را بین زنها تقسیم می‌کنند. آش بی‌بی مراد را در روستای فدافن سه کیلومتری شهر کاشمر می‌دهند. در مسجد غریب برای این مسجد هم کراماتی قائل‌اند و عقیده دارند مسجد غریب هم آرامگاه عالم‌هایی بوده و کرامات زیادی دارد. چون این مسجد مشکل‌گشا است، پس پذیرای زنهایی است که نذر آش بی‌بی مراد کرده‌اند که همان وضعیت آجیل مشکل‌گشا و آداب و رسوم آش بی‌بی حور و بی‌بی نور را دارد. در این مسجد آتو روضه می‌خواند. اگر آتو نبود روحانی محل این وظیفه را دارد که روضه بخواند. بعضی از عشایر و دامداران در مجلس قبل از روضه در یک سینی ماست و نان می‌آورند که همه زنها لقمه‌ای برمی‌دارند.

پیر مراد فروتقه



عصر روز چهارشنبه که به آن چهارشنبه چهار مراد می‌گویند، زنی که نذر کرده بچه مریضش خوب شود و یا مریض دیگری داشته و یا هر گرفتاری دیگری، برای برطرف شدن آن گرفتاری نذر می‌کند که در سر پیر مراد فروتقه روزه‌ای بخواند. از همسایه‌ها و قوم و خویشها هم دعوت می‌شود. این افراد هم حدود ساعت دو تا سه بعد از ظهر دسته جمعی به سر پیر مراد می‌روند. از طرف نذر کننده این مکان فرش شده و زنها روی فرش می‌نشینند. آنوقت آتو (زن روزه‌خوان) و یا روحانی مرد حاضر می‌شود روزه می‌خواند. در پایان نذر کننده که مقداری خرما و آجیل مشکل‌گشا آورده بین حاضران (زنها) تقسیم می‌کند.

زنها هم با سنگ‌های سرپیر اجاقی درست می‌کنند. قدری چربی گوسفند روی آتش گذاشته، روغن که باز شد با آن روغن پنبه ای آورده، آن را آغشته کرده می‌سوزانند. از سوخته آن زنهایی که حاجت دارند مخصوصاً دختران دم بخت به وسیله انگشت خود مقداری به پیشانی می‌مالند و یک نخ هم در میان سوخته‌های روغن و پنبه می‌مالند و این نخ را به یکی از سنگ‌ها و یا بوته‌های دور مزار می‌بندند و در وقت بستن نخ می‌گویند: ای پیر مراد مرادم را بده. حاجتم را روا کن. آنها عقیده دارند که این پیر پیش خدا آبرو دارد و حاجت آنها را برآورده می‌کند. باید توضیح دهم که زنه‌های عشایر و دامدار یک سینی که داخل آن ظرفی ماست و نان محلی است می‌آورد و زنها لقمه‌ای به عنوان تبریک بر می‌دارند (آش قل هو الله).

زنها و دخترها در ماه مبارک رمضان (ده، پانزده و یا بیست نفر) در یک منزل جمع می‌شوند و روزی یک جزء از قرآن مجید را می‌خوانند.

روز آخر هر ماه مبارک هر زن و یا دختر پول و مقداری آجیل و شیرینی می‌آورند، در وسط اتاق آنها را روی هم می‌ریزند و جزء آخر قرآن را به دوره می‌خوانند. سوره قل هو الله به هر زن و یا دختر که افتاد، یعنی خواند، این زن و یا دختر باید یک روز پس از ماه مبارک رمضان آش تهیه کند و تمام زن و دختر قرآن دوره را دعوت کند و این آش را بدهد.

اما پس از اینکه قل هو الله خوانده شد، دعای آن روز را می‌خوانند و آن آجیل که در وسط هست و معروف است به آجیل سر قرآن به هر کدام مقداری داده می‌شود و یک سکه که پول است به هر کدام داده می‌شود و این پول به عنوان پول برکتی نگهداری می‌شود.



آش پشت پا

این آش را نذر می‌کنند که مسافرشان به سلامت به مقصد برسد، مخصوصاً رفتن مسافری به مکه معظمه. تا آن مسافر رسید با اولین نامه و حالا با اولین تلفن در منزل حاجی آشی می‌پزند و آن آش را کاسه، کاسه می‌کنند برای قوم و خویش و همسایه می‌برند و به طرف می‌گویند برای فلانی که رفته به مکه آش پشت پا است و طرف هم دعا می‌کند که به سلامت و حج قبول به میهن برگردد. تعدادی از فقرا هم از این آش می‌خورند و برای حاجی دعا می‌کنند.

ماه شعبان - شبهای برات

از تاریخ سیزده تا پانزده شعبان اکثراً افرادی که مرده‌ای دارند برای اینکه روح آن مرده از خانواده‌اش مطلع گردد، برای آمرزش او مقداری آرد را خمیر می‌کنند. مثلاً ده نفر را به یاد دارد. پدر، مادر، پدربزرگ، مادربزرگ، عمه، خاله، عمو و.... برای هر کدام گلوله (زواله) خمیر تهیه می‌کنند. تابه‌ای را روغن کرده آن را داغ نموده و گلوله خمیر را در داخل آن می‌اندازند که پخته شود و برای آن شخص

فاتحه هم می‌خوانند. این روغن جوشی را به سر قبرستان یا مزار همان مرده‌ها برده و بین افراد تقسیم می‌کنند و آنها هم اول فاتحه ای می‌خوانند، بعد آن روغن جوشی را می‌خورند. و اما در شبهای برات عده‌ای هم حلوا درست می‌کنند به یادبود مرده‌ای که در گذشته. این حلوا را هم بین حاضران در قبرستان تقسیم می‌کنند. عده‌ای هم خرما، نقل و شیرینی می‌آورند و تقسیم می‌کنند.

سید محمد

مزار سید محمد در سه کیلومتری کاشمر واقع است. به این مزار هم در طول هفته می‌روند ولی روز چهارشنبه معمولاً شلوغ تر است. عده‌ای که نذر دارند، ماست و سبزی می‌دهند. عده‌ای که نذر دارند روز چهارشنبه گوسفند می‌کشند و از عده‌ای قوم و خویش و تعدادی از فقرا پذیرایی می‌کنند و در طول هفته به زیارت می‌آیند، آجیل مشکل گشا تقسیم می‌کنند، گوسفند می‌کشند و دعوتی می‌دهند.

سید حمزه - امام زاده حمزه علیه السلام

فرزند حضرت امام موسی کاظم (ع) که در خیابان فاطمیه و در کنار خیابان خرمشهر واقع است. مردم به این مزار می‌آیند، نذر

می‌کنند، دعوتی می‌دهند، دعای کمیل می‌خوانند، دعای ندبه برگزار می‌کنند و در این دعا هر کس می‌آید صبحانه می‌دهند. اشخاصی که نذر دارند گوسفند می‌کشند و گوشت آن را تقسیم می‌کنند. در این زیارتگاه حاجتمند زیاد است. حاجت می‌طلبند و برآورده هم می‌شود. اما درخت سرو حدود هشتصد ساله‌ای در این مزار است که علاوه بر زیارت و درخواست حاجت از پسر موسی الکاظم (ع) سید حمزه علیه‌السلام عده‌ای مخصوصاً دختران دم بخت به پای این درخت می‌آیند و برای برآمدن حاجت و گشوده شدن بخت به درخت سرو کهن این مزار پارچه و نخ می‌بندند و آن درخت را درخت پیر مراد هم می‌گویند.

آقا سید مرتضی علیه‌السلام

این مزار در پنج کیلومتری شمال کاشمر واقع است. عده‌ای همه روزه و روزهای چهارشنبه آنهایی که نذر دارند می‌آیند (و گاهی هم پیاده می‌آیند). مثلاً نذر کرده که اگر بچه‌ام خوب شود و یا مریض خوب شود و یا هر گرفتاری که دارد سه، چهارشنبه یا پنج‌شنبه پیاده به مزار سید مرتضی بیاید. در سر مزار آجیل مشکل‌گشا پخش می‌کنند. از کاشمر و بردسکن و خلیل‌آباد و حومه آن نیز برای زیارت و نذری و روضه‌خوانی، پیاده به سید مرتضی (ع) می‌آیند و چنانچه بچه‌ای دارند که عقیقه نشده، گوسفندی در محل سید مرتضی (ع) می‌کشند و گوشت‌های آن را بین فقرا تقسیم می‌کنند و گاهی هم دعوتی می‌دهند.

از شهرهای خراسان مخصوصاً روزهای جمعه و تعطیلی به این زیارتگاه می‌آیند و خرج می‌دهند. در مناسبت‌هایی مثل روزهای احیا در ماه مبارک رمضان، روزهای عاشورا و تاسوعا و روزهای دیگر محرم و صفر تعزیه‌خوانی هست و سینه‌زنی و در طول سال جمعیت بسیار زیادی به زیارت می‌آیند و مشکل‌گشا هم می‌دهند. از استان‌های دیگر هم برای ادای نذر می‌آیند که عموماً نذرشان آبگوشت است.

کاشمر که دارالمؤمنین لقب گرفته، زیارتگاه‌های خوبی دارد که مردم از آن استقبال می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جانم به لب آمد یا قاضی المنایا	سویت شکایت آمد یا سامع الشکایا
دردم به تن دوا کن یا شافی الشفایا	فارغ دل از بلا کن یا کاشف البلایا
برگی به نام ما زن یا رازق البرایا	جامی به کام ما زن یا واهب الهدایا
بخت جوان عطا کن یا مجزل العطایا	عزت نصیب ما کن یا صاحب السجایا
چرخ‌ی به کار ماده یا صانع الصنایا	الغوث جان به ما نه یا مهربان خدایا
من دوستم به قرآن یا دائم البقایا	در کوره راه هستی یا صادق الوصایا
کریمی به جستجو شد یا منتهی الرجایا	سی مرغ روبرو شد یا غافر الخطایا

و اما سفره‌های نذری که عبارت هستند از سفره ابوالفضل (ع) سفره حضرت امام حسن مجتبی (ع). سفره حضرت امام حسن مجتبی (ع) را مخصوصاً در ماه صفر (۲۸ صفر) که شهادت آن حضرت است و یا پانزدهم ماه مبارک رمضان که روز ولادت آن حضرت است می‌گیرند، که باید گفت این سفره را زنها برپا می‌کنند و یک افطاری و سفره است که خیلی هم مفصل است. در طول سال هم زنها نذر می‌کنند که سفره حضرت امام حسن مجتبی (ع) را داشته باشند. مقدمات سفره که آماده شد یک روز مثلاً چهارشنبه را انتخاب و زنهای همسایه و قوم و خویش را خبر می‌کنند که به سر سفره حضرت امام حسن مجتبی (ع) بیایند. در سر این سفره، نان تازه محلی، سبزی، ماست، شوله‌زرد، کباب، کوکو و یک سینی هم مشکل‌گشا آماده شده، آتو، یا روحانی محل می‌آید پیرامون حضرت امام حسن مجتبی (ع) روضه می‌خوانند. در پایان زنها به دور سفره می‌نشینند، از هر غذایی که خواستند می‌خورند و مقداری مشکل‌گشا برمی‌دارند و می‌گویند خداوند قبول کند و مشکل شما را آسان نماید.

سفره حضرت رقیه خاتون (س)

در طول سال و در مناسبت‌ها سفره حضرت رقیه خاتون را می‌اندازند. در سر این سفره معمولاً یک سینی پر از آجیل مشکل‌گشا هست. ساندویچ که شامل نان تازه محلی، یک قرص نان، به همراه پنیر، مغز گردو و خرما هست پس از روضه خواندن آتو و یا روحانی محل بین زن‌ها تقسیم می‌شود.

سفره حضرت ابوالفضل العباس (ع)

این سفره را در مورد گرفتاری‌های مهم و یا بیماری‌های لاعلاج و یا برطرف شدن ظلم ظالم نذر می‌کنند که اگر طفل ما خوب شد، یا این بیمار شفا یافت و یا گرفتاری‌های دیگر حل شد، این سفره را می‌اندازیم. مقدمات که آماده شد عصر جمعه و یا عصر روز چهارشنبه و یا در یکی از مزارها از قبیل سید مرتضی یا مزار سید حمزه، آیت الله شهید مدرس و یا سید محمد نذر می‌کنند که مثلاً در مسجد غریب روستای فدا فن سفره حضرت ابوالفضل را ببندازم. زن و مرد را خبر می‌کنند که مثلاً روز چهارشنبه به سر سفره حضرت ابوالفضل (ع) بیایند. روحانی محل را خبر می‌کنند تا پیرامون از خود گذشتگی‌ها و رشادت‌های حضرت ابوالفضل صحبت کند و روضه خوانی نماید. پس از ختم روضه چنان‌که عشایر و دامدار باشند اول یک سینی که داخل آن ظرفی ماست و مقداری نان است برای مهمان‌ها می‌چرخانند و هر کس یا هر زن یک لقمه‌ای از آن نان و ماست بر می‌دارد و به عنوان شوخی می‌گوید:

نذر حضرت عباس

یک من نان و سی سیر ماست

سفره را می‌اندازند. این سفره به احترام حضرت عباس (ع) رنگین است:
عدس پلو: که خیلی هم زیاد است و به هر نفر و یا زن یک بشقاب می‌دهند.

آش: هر نفر هر چه آش می‌خواهد بر می‌دارد.

شوله‌زرد (شعله‌زرد): برای هر نفر یک پیش‌دستی

کباب: برای هر نفر دو عدد کباب

سیزی: هر مقدار که خواستند

ماست: جلوی هر نفر پیاله‌ای

نان محلی برای خوردن، و بردن برای بچه‌هایشان

آجیل مشکل‌گشا: در یک سینی گذاشته و هر نفر مقداری برمی‌دارد.

دعای مخصوص سفره

الهی که این سفره مأمور باد... حاضران در سر سفره می‌گویند آمین - یا الهی آمین

سراسر پر از نعمت و نور باد... آمین

گزند شیاطین و چشم حسود از این سفره و خانه‌اش دور باد - آمین

نعمت خدا نوش - آمین

نعمت خدا و رسول - آمین

هر که باشد محب هشت و چهار - آمین

هر که باشد محب این دسته جمع - آمین

از برای بقای او گفتیم - هو - یا هو - یا ضامن آهو - بخوانید فاتحه و صلوات

دعای سفره:

الهی که این سفره مأمور باد

زبان بداندیش و چشم حسود

سفره از خاندان یزدان است

دعای سر سفره در مجالس پس از ناهار و شام

سراسر پر از نعمت و نور باد

الهی که این سفره مأمور باد



پیشگاه علمی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

سراسر پر از نعمت و نور باد

از این سفره و صاحبش دور باد

نان دادن کمال مردان است

گزند زمانی ز آفات دهر
خدایا بیا مرز رفتگان او

از این سفره و صاحبش دور باد
مذکر، مؤنث، صغیر و کبیر

همه را با رحمت دریای خود بیا مرز
تنشان را با حله‌های بهستی بیوشان
درجاتشان عالی گردان
آب حوض کوثر نصیبشان گردان
آمین یا رب العالمین، فاتحه و الصلوات

